



An Investigating the Accusation Against the Prophet (P) of Marrying to Married Woman (Muhsinah) Based on the Verses of Surah Ahzab*



Mohammad Hossein Mohammadi ^۱

Mohammad Hossein Akrami ^۲

Abstract

Some orientalists, like Gustave Le Bon, have suspected that the Prophet of Islam (P) was a lustful person because of his many wives. Influenced by them, Dr. Soha in his book “Criticism of the Quran”, referring to verses ۳۷ and ۳۸ of Surah Al-Ahzab, accused the Prophet of Islam (P) of possessing a married woman (Zainab bint Jahsh) and claimed that this practice has both caused the collapse of the family system and has become an excuse for the religious jurist to divorce women without the permission of their husbands. This research, using a descriptive-analytical method, has criticized Soha’s accusations and claims from three interpretative, historical and jurisprudential perspectives and has come to the conclusion that firstly, the story of the Prophet (P) falling in love with a married woman is a fabrication and it is not compatible with verses and traditions; Secondly, the collapse of Zayd bin Haritha’s family is not one of the negative consequences of the marriage of the Prophet (P) with Zainab bint Jahsh; because this claim would be true when the Prophet (P) forced them to separate, while Zainab’s separation was at the request of her husband i.e. Zaid, not through the acts of guardianship by the Prophet (P). Thirdly, verses ۳۷ and ۳۸ of Surah Al-Ahzab cannot be a document of the application of guardianship by the jurist in the issue of divorcing women in special circumstances; because the cases of the implementation of guardianship by him are recorded in jurisprudence books, none of which are relevant to the issue of the divorce of Zainab bint Jahsh, and the divorce sermon, if it was implemented by the Prophet (P), was actually at the request and as attorney of Zayd.

Keywords: Possession of A Married Woman, Family Breakdown, Jurisprudence, the Prophet (P), the Book “Criticism of Quran”, Dr. Soha.

*. **Date of receiving:** April ۷, ۲۰۲۱; **Date of correction:** June ۱۹, ۲۰۲۱; **Date of approval:** October ۳, ۲۰۲۱.

^۱. assistant professor, Al-Mustafa International University (mhmtafsir@yahoo.com)

^۲. Ph.D. Candidate, Al-Mustafa International University, Higher Complex of Quran and Hadith, Department of Exegesis, Discipline of Comparative Exegesis, from Afghanistan (Corresponding author) (hosainakrami@yahoo.com).



بررسی اتهام ازدواج پیامبر α با محصنه بر اساس آیات سوره احزاب*

محمدحسین محمدی^۱ و محمدحسین اکرمی^۲



چکیده

برخی از مستشرقان همانند گوستاولویون شبهه کرده اند که پیامبر اسلام α به دلیل گرفتن زنان متعدد، آدمی شهوتران بوده است. دکتر سها با تأثیرپذیری از آنان در کتاب «نقد قرآن»، با استناد به آیات ۳۷ و ۳۸ سوره مبارکه احزاب، رسول گرامی اسلام α را متهم به تصاحب زن شوهردار (زینب بنت جحش) کرده و مدعی شده است این عملکرد او، هم باعث فروپاشیدن نظام خانواده شده و هم دستاویزی شده برای ولی فقیه در جهت طلاق دادن زنان بدون اجازه شوهرانشان. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، این اتهام و ادعاهای سها را از سه منظر تفسیری، تاریخی و فقهی مورد نقد و بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که اولاً داستان عاشق شدن پیامبر α به زن شوهردار، ساختگی است و با آیات و روایات سازگار نیست؛ ثانیاً فروپاشیدن خانواده زید بن حارثه، از پیامدهای منفی ازدواج پیامبر α با زینب بنت جحش نیست؛ زیرا این مدعا زمانی درست است که پیامبر α آن دو را مجبور به جدا شدن از هم کرده باشد، درحالی که جدایی زینب به درخواست شوهرش زید بوده است، نه از طریق اعمال ولایت از سوی پیامبر α ؛ ثالثاً آیات ۳۷ و ۳۸ سوره احزاب نمی تواند مستند اعمال ولایت از سوی ولی فقیه در مسئله طلاق دادن زنان در شرایط خاص باشد؛ زیرا موارد اعمال ولایت از سوی او، در کتب فقهی ثبت و ضبط شده که هیچ کدام از آن، بر مسئله طلاق زینب بنت جحش منطبق نیست و صیغه طلاق اگر از سوی پیامبر α اجرا شده است و درواقع به درخواست و وکالت از زید بوده است.

واژگان کلیدی: تصاحب زن شوهردار، فروپاشی خانواده، ولایت فقیه، پیامبر α ، کتاب نقد قرآن، دکتر سها.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران: (mhmtafsir@yahoo.com)

۲. دانش آموخته دکتری رشته تفسیر تطبیقی، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، کشور افغانستان (نویسنده

مسئول): (hosainakrami@yahoo.com)



مقدمه

تشکیک و شبهه افکی، شاید قدمتی به درازای عمر انسان بر روی کره زمین داشته باشد که گاهی به منظور حق طلبی بوده و گاهی به منظور حق جلوه دادن باطل یا باطل جلوه دادن حق. در این میان، یکی از کسانی که در این دهه اخیر، نسبت به قرآن و پیامبر α شبهه افکنی کرده، دکتر سها در کتاب «نقد قرآن» است که در آن، حدود هزار شبهه و اتهام را بر قرآن و پیامبر α وارد کرده است؛ اما آنچه در این پژوهش مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، مسئله ازدواج پیامبر α با زینب بنت جحش پس از طلاق گرفتن از سوی شوهرش، زید بن حارثه است که سها با استناد به آیات ۳۷ و ۳۸ سوره احزاب، مدعی شده است که پیامبر اسلام α نخست، همسر فرزندخوانده خود (زید) را تصاحب کرده و این کار ناپسند را به خداوند نسبت داده است. دوم اینکه عشق دو جوان را لگدکوب کرده و باعث فروپاشی یک خانواده شده است. سوم اینکه این عملکرد او، بهانه‌ای برای ولی فقیه در جهت طلاق دادن زنان بدون اجازه شوهران شان و درآوردن آنان را به عقد خود یا دیگران کرده است. متن گفتار دکتر سها چنین است:

«زینب بنت جحش همسر زیبای زید (برده و پسرخوانده محمد) بود. روزی محمد برای دیدن زید به خانه وی رفت. زید در خانه نبود و محمد با دیدن زینب تحت تأثیر وی قرار گرفت و بازگشت، درحالی که می گفت سبحان الله العظیم سبحان مصرف القلوب یعنی منزه است خدای بزرگ، منزّه است برگرداننده قلب ها. این جمله محمد نشانگر شدت تأثیر زیبایی زینب در دل او ست. وقتی زید به خانه آمد، زینب داستان را به او گفت و زید به دلیل شدت اعتقادی که به محمد داشت، نزد محمد آمد که زینب را طلاق دهد و محمد به ازدواج خود درآورد. محمد در ابتدا گفت تقوی پیه کن و همسر خود را نگه دار، درحالی که عشق به زینب را در دلش پنهان کرده بود، ولی بعداً آیات [۳۷ - ۳۸ سوره احزاب] را نازل کرد و مدعی شد که خدا زینب را طلاق داده و به عقد محمد درآورده است» (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳ش: ۴۳۲).

سها در ادامه چنین می نگارد:

«محمد برای پرهیز از زشتی این عمل و برطرف کردن تردید هوادارانش، این عمل شنیع را به خدا نسبت می دهد. در آیه ۳۸ مدعی شده که این کار حکم خدا بوده و بنابراین محمد گناهی مرتکب نشده است و به این صورت این کار ناپسند را به گردن خدا می اندازد. همچنین در آخر آیه قبل مدعی شده که این کار برای این است که مردم برای ازدواج با زن مطلقه پسرخوانده شان مشکلی نداشته باشند چون در جاهلیت پسرخوانده نقش پسر را داشت و کسی نمی توانست با همسر پسرخوانده اش ازدواج کند. آیا نمی شد این حکم جاهلی را با آیه ای فسخ کرد و حتماً لازم بود این کار با این زشتی و ناجوانمردانگی

انجام شود؟ وقتی اختیار محمد نسبت به مردم از اختیار مردم نسبت به خودشان بیشتر است، طبعاً محمد وقتی از زن زیبای پسرخوانده‌اش خوشش می‌آید، آیه نازل می‌کند و آن زن را تصاحب می‌کند. در این کار چیزی که مطرح نیست، خواست آن زوج جوان است. عشق دو جوان را لگدکوب می‌کند، خانواده‌ای را از هم می‌پاشد برای اینکه به خواست خودش برسد. این کار محمد منشأ یک حکم فقهی شده که علمای شیعه می‌گویند ولایت فقیه می‌تواند همسر فردی را بدون اجازه‌اش طلاق دهد و به ازدواج خودش یا دیگری درآورد. نکته دیگر این است که در این آیات کسی که اصلاً مطرح نیست و خواست و اراده‌اش هیچ اهمیتی ندارد خود زینب است. مخصوصاً به «فَقَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا» اگر دقت شود، می‌گوید حال که زید از او لذت جنسی برد او را به عقد محمد درآورد. این آیه بی‌ارزشی فوق‌العاده زن را در اسلام نشان می‌دهد که حتی زنی به زیبایی زینب که محمد عاشقش می‌شود هیچ اختیاری در ازدواج و طلاق خویش ندارد و صرفاً یک وسیله لذت‌جویی جنسی است. تصور کنید اگر روحانیان و رؤسا بخواهند این عمل زشت محمد را الگوی خویش قرار دهند چه می‌شود؟ هر رئیس‌گری اگر از زن زیردستانش خوشش آمد، آن زیردست باید زنش را طلاق دهد و به او واگذار کند، همان‌گونه که در مورد ولایت فقیه می‌گویند» (همان: ۴۳۳-۴۳۵).

از ژرف‌نگری در جملات سها، به دست می‌آید که او در پی القای شبهات ذیل بر پیامبر است: رسول خدا - نعوذ بالله - نه عصمت داشته و نه عدالت؛ بلکه یک آدم فریب‌کار و شهوت‌رانی بوده که با بهانه قرار دادن وحی، در پی ارضای شهوت سیری‌ناپذیر خود بوده است. این شبهات، همان شبهات و اتهاماتی است که برخی از مستشرقان؛ همانند گوستاولوبون (Gustave Le Bon) نسبت به ساحت قدسی او روا داشته‌اند (ر.ک: دیاری‌بیدگلی «بررسی دیدگاه مستشرقان درباره ازدواج پیامبر با زینب»، ۱۳۹۳ش: ۹۱-۹۲؛ شفیع‌خوزانی، «ازدواج‌های رسول گرامی اسلام نقد و بررسی دیدگاه اسلام‌شناسان اروپایی»، ۱۳۸۵ش: ۱۰۹-۱۱۴)؛ بنابراین انتشار این گونه شبهات در فضای مجازی، می‌تواند برای نسل جوان امروزی که فضای مجازی بخش از زندگی آنان شده، به سان سم مهلکی باشد که عقایدشان را برباید.

پاسخی که تاکنون نسبت به شبهات ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش داده شده، یکی جعلی و اسرائیلی بودن روایات مربوط به این قضیه است. این پاسخ را می‌توان در مقالات ذیل یافت: «زینب بنت جحش» اثر محمود مهدوی‌دامغانی؛ «بررسی دیدگاه مستشرقان در باره ازدواج پیامبر اکرم با زینب» نوشته شده توسط دیاری‌بیدگلی، در مجله قرآن‌پژوهی خاورشناسان؛ «انگاره‌های روایی ناستوار در ازدواج پیامبر اکرم و زینب بنت جحش با تأکید بر لغزش‌های خاورشناسان»، اثر اعظم‌السادات



شهبانی؛ «بررسی روایی و عقلانی ازدواج رسول خدا α با زینب بنت جحش»، اثر غلامحسین زرگری نژاد. پاسخ دوم ناسازگاری آن با ویژگی های شخصیتی پیامبر α و واقعیت های تاریخی است که این پاسخ در مقاله «نقد دیدگاه مستشرقان درباره تعدد همسران پیامبر α از منظر قرآن» توسط محمدحسین محمدی، در مجله قرآن پژوهی خاور شناسان داده شده است. ضعف سندی روایات مربوط به ازدواج پیامبر α با زینب، اضطراب محتوایی آن، مغایرت آن با ظاهر آیات و اصطکاک داشتن آن با ادله عقلی عصمت مطلقه پیامبر α از دیگر پاسخ هایی که در مقاله «بررسی تطبیقی جریان ازدواج پیامبر اکرم α با زینب، با تأکید بر نقد شبّهات» توسط سیدمحسن کاظمی در نشریه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، داده شده است.

همان طوری که ملاحظه کردید، این پژوهش ها ناظر به شبّهات لذت جویی است که از سوی مستشرقان مطرح شده است؛ اما شبّهاتی همانند تصاحب زن شوهردار، فروپاشی خانواده و مستمسک قرار گرفتن این ازدواج برای ولی فقیه در جهت طلاق دادن همسران مردم، پاسخ داده نشده است؛ لذا این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی، در پی پاسخ گویی به این شبّهات است

۱. معرفی کتاب نقد قرآن

قبل از وارد شدن به مباحث اصلی لازم است که کتاب نقد قرآن را به صورت خلاصه معرفی کنیم. شخصی با اسم مستعار دکتر سها که مدّعی است در تفاسیر، حدیث، تاریخ اسلام، فقه و فلسفه صاحب نظر است، کتابی را با عنوان «نقد قرآن» تدوین کرده و به صورت پی دی اف (pdf) در فضای مجازی به طور گستره پخش کرده است. این کتاب بار اول در سال ۱۳۹۱، در ۸۶۰ صفحه، و بار دوم در سال ۱۳۹۳، در ۹۳۵ صفحه تهیه و تنظیم شده است. ویرایش دوم آن متشکل از یک مقدمه و ۲۳ فصل و یک نتیجه گیری است. سها مدّعی است که در این کتاب بیش از هزار غلط فاحش قرآن را به نمایش گذاشته است. استدلال او چنین است: «اگر قرآن از خدا باشد بدون خطا و ضعف و دارای معجزه است؛ اما قرآن پر از خطا و ضعف است و معجزه ای هم ندارد» و با رفع تالی رفع مقدم را چنین نتیجه گیری کرده: «پس قرآن از خدا نیست» (همان: ۳۰). او منابع کتاب خود را قرآن و سنت معتبر مثل کتب معتبر حدیثی، بخصوص صحیح بخاری و صحیح مسلم؛ سیره رسول الله؛ سیره ابن اسحاق؛ سیره ابن هشام؛ تاریخ طبری و تفاسیر معتبر موجود، معرفی می کند. نویسنده این کتاب، با روش ظاهرگرایی افراطی و تفسیر به رأی، به این نتیجه رسیده که همه ادیان خرافی است و هیچ وحی و الهامی صورت نگرفته و اصلاً خدای عالم، عاقل، عادل، و مهربان وجود ندارد و آنچه را که به عنوان خدا معتقدیم موجود وهمی و مخلوق ذهن ماست.

برای آشنایی بیشتر با این کتاب محتوای برخی از فصول آن به شرح ذیل گزارش می‌شود:
فصل ۱: معرفی قرآن؛ در این فصل ضمن تبیین پیام‌های اصلی قرآن و بیان زیبایی آن؛ تکراری بودن، کم‌محتوابودن، محیط زندگی، بی‌نظمی، دقیق نبودن و مبهم بودن قرآن را مطرح کرده و در آخر، بحث فهم قرآن و موانع فهم آن را طرح و بررسی کرده است.

فصل ۲: خطاهای علمی قرآن؛ این فصل به موضوعات جنین شناسی و دوران حمل، منی و محل خروج آن، آسمان، زمین، ماه، خورشید، ستارگان و کوه‌ها، اختصاص پیدا کرده و خطاهای علمی قرآن را به‌طور مفصل مورد بحث قرار داده است.

فصل ۳: ناسخ و منسوخ؛ در این فصل ابتدا نسخ را تعریف کرده، سپس مدعی نسخ در موضوعات ذیل شده است: آزادی عقیده، آیاتی که وظیفه پیامبر را فقط ابلاغ می‌دانند، صدقه‌دادن قبل از گفتگو با پیامبر، لزوم عدالت کامل بین همسران، تحریم رابطه جنسی در شب‌های رمضان.

فصل ۴: ابهام در قرآن؛ این فصل را به مبهمات و متشابهاات قرآن اختصاص داده است و مدعی شده که وجود چنین آیات، موجب سه تناقض درونی در قرآن شده: تناقض مبهم و مبین، تناقض مبهم و سهل و تناقض ابهام و هدایت.

فصل ۵: انتساب رفتارها و صفات نامناسب به خدا؛ در این فصل از ظلم‌های منسوب به خداوند انتقاد شده است؛ مانند سوزاندن گناهکاران در جهنم به طور همیشه، هلاک نمودن بی‌گناهان و کودکان همراه با گمراهان، وادار کردن ثروتمندان به فساد و سپس نابودکردن کل جامعه، دستور کشتن همدیگر به بنی اسرائیل بعد از پرستش گوساله، تنبیه کردن هزاران نسل از یهود را تا قیامت به خاطر گناه اجدادشان، ایجاد دشمنی بین مسیحیان تا قیامت به خاطر گناه گذشتگانسان، حبط اعمال نیک و تمایل شدید خداوند به کشتار حیوانات.

فصل ۶: هدایت و گمراهی در قرآن؛ در این فصل روی موضوعات ذیل انتقاد شده است: چرا قرآن فقط برای هدایت مؤمنان است؟ چرا روش هدایتی آن از ارائه معجزه و دلایل معتبر خالی است؟ چرا ترس از جهنم شایع‌ترین روش قرآن برای دعوت به ایمان است؟ چرا شمشیر روش عملی قرآن برای دعوت به ایمان است؟ چرا قرآن به جای استدلال رو به تخطئه و اتهام آورده است؟ چرا خدا عده‌ای را خارج از اراده‌شان هدایت می‌کند؟

فصل ۷: محمد در قرآن؛ برخی از شبهات این فصل درباره ازدواج‌های پیامبر است که در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.



عناوین فصل‌های دیگر این کتاب عبارت است از: نسبت‌های ناروا به پیامبران؛ موانع عدالت، آزادی و پیشرفت در قرآن؛ اختلاف طبقاتی قرآن؛ اقتصاد در قرآن؛ سیاست در قرآن؛ جهاد؛ کشتار، برده‌گیری، تجاوز جنسی و غارت اموال غیرمسلمانان؛ احکام قضائی قرآن؛ افسانه‌های قرآن؛ تناقضات قرآن و خطاهای نوشتاری آن.

۲. نقد و بررسی اتهامات سها

شبهات و اتهامات مذکور، از سه منظر تفسیری، تاریخی و فقهی قابل نقد و بررسی است که به شرح ذیل است:

بررسی تفسیری

برای پاسخ‌دهی بهتر به مدعای سها، لازم است که موارد ذیل از منظر تفسیری، مورد بحث و بررسی قرار گیرد:

یک. شأن نزول آیه ۳۶ احزاب

هنگامی که رسول خدا ﷺ زینب بنت جحش را برای زید بن حارثه خواستگاری کرد، او از پذیرش آن سرباز زد، سپس رسول خدا ﷺ به او دستور ازدواج داد، زینب گفت اجازه بده تا با خودم فکر کنم، در این گفتگو بودند که آیه: Π وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا؛ (هیچ مرد و زن باایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است) (احزاب/۳۶)، نازل شد. زینب گفت: آیا او را به‌عنوان شوهر برای من می‌پسندی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: بله. زینب گفت: بنابراین رسول خدا ﷺ نافرمانی نمی‌کنم و خودم را به نکاح زید درآوردم (طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن) (تفسیر الطبری)، ۱۴۱۲ق: ۹/۲۲). در نقل دیگری آمده: او به خاطر قرشی بودن، استتکاف نمود یا این که گمان کرد رسول خدا ﷺ او را برای خودش خواستگاری کرده؛ اما وقتی فهمید برای زید خواستگاری نموده، او و برادرش عبدالله بن جحش، از ازدواج نمودن زینب با زید امتناع ورزیدند تا این که آیه مذکور نازل شد و به دنبال آن زینب هم به این ازدواج راضی شد. در نقل سوم آمده: امّ کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط خود را بر رسول خدا ﷺ هبه کرد و رسول خدا ﷺ آن را پذیرفت و او را به ازدواج زید درآورد، او و برادرش ناراحت شدند و گفتند منظور ما رسول خدا ﷺ بود، آنگاه آیه مذکور نازل شد (ر.ک: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۳۴۳/۸؛ طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۷۲ش: ۵۶۳/۸؛ طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن) (تفسیر الطبری)، ۱۴۱۲ق: ۱۰/۲۲؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷ق: ۵۴۰/۳).



دو. مقصود از قضاء و معنای آیه

برخی از مفسران قضاء در این آیه را به معنای حکم نمودن و لازم نمودن امری دانسته (ر.ک: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۸: ۳۴۳؛ طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۷۲ش: ۸: ۵۶۴)؛ اما برخی دیگر می گوید: سیاق آیه شهادت می دهد بر این که مراد از قضاء، قضاء شرعی است نه تکوینی که خود بر دو قسم است: یکی جعل شرعی و صادر نمودن حکم در امور مربوط به اعمال بندگان، این قسم مخصوص خداوند است. دیگری تصرف نمودن در شأنی از شئون آنهاست به واسطه رسولی از رسولانش. قضاء حضرت رسول α از نوع دوم است، آن هم به وسیله ولایتی که خداوند برای او قرار داده؛ چنانکه می فرماید: $\text{إِنَّ النَّبِيَّ أَوَّلِي بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ}$ (احزاب/۶)؛ بنابراین به قرینه قرار گرفتن یک امر، هم متعلق قضاء خداوند و هم متعلق قضاء رسول خدا α، مراد از قضاء در این آیه، تصرف ولایتی در شئون مردم است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱۶: ۳۲۲).

طبق تفسیر اول معنای آیه چنین است: در برابر امر خدا و حکم او، احدی حق مخالفت ندارد (ر.ک: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۸، ص ۳۴۳؛ طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۷۲ش: ۸، ص ۵۶۴)؛ بلکه باید رأی شان را تابع رأی خدا و اختیارشان را در پی اختیار او قرار دهند (ر.ک: زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷ق: ۵۴۰/۳).

طبق تفسیر دوم معنای آیه چنین خواهد شد: احدی از مردان و زنان مؤمن، زمانی که خدا و رسول α در امری از امور آنها تصرف کند، اختیاری ندارند که غیر آنچه را خدا و رسول α اراده کرده، انتخاب نمایند؛ بلکه باید از اراده خدا و رسول α پیروی کنند (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱۶: ۳۲۲).

سه. بررسی آیه ۳۷ احزاب

$\text{وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا}$ ؛ «(به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزندخواندهات «زید»] می گفتم: «همسرت را نگاهدار و از خدا بپرهیز!» (و پیوسته این امر را تکرار می کردی)؛ و در دل چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند؛ و از مردم می ترسیدی درحالی که خداوند سزاوارتر است که از او ترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سر آورد (و از او جدا شد)، ما او را



به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسرخوانده هایشان - هنگامی که طلاق گیرند - نباشد؛ و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). در فراز اول که می فرماید: «وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ»، منظور از شخص مورد انعام زید بن حارثه است که نعمت خداوند بر او این بود که او را هدایت کرد و نعمت رسول خدا^ص این بود که او را آزاد ساخت و به فرزندخواندگی پذیرفت. جمله: «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ» کنایه از خودداری نمودن از طلاق دادن همسر است و اشعار دارد بر اینکه زید در طلاق دادن همسرش اصرار داشته است (ر.ک: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۸/ ۳۴۳؛ طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۷۲ش: ۸/ ۵۶۴؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱۶/ ۳۲۲)؛ چون نخست اینکه زینب تکبر داشته و دوم اینکه آزار زبانی به شوهرش می رسانده است (ر.ک: قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۳ش: ۲/ ۱۹۴).

در فراز دوم که می فرماید: «وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ»، آنچه را که رسول خدا^ص به خاطر ترس از اثر سوء آن، بر مردم مخفی می کرده، وجوب یا مقررشدن ازدواج با همسر فرزندخوانده اش بعد از طلاق دادن او بوده تا به این شیوه از مؤمنان در مسئله ازدواج با همسران فرزندخوانده هایشان، رفع حرج نماید؛ شاهد این مطلب را می توان دو امر عنوان کرد:

امر اول خوف آن حضرت^ص است که در جمله دوم آمده، این خوف، خوف بر نفس خودش نبوده؛ بلکه خوفی در مورد خدا و دین او بوده؛ زیرا اگر مسئله ازدواج با زینب را اظهار می کرد، مورد عیب جویی از سوی برخی افراد بیماردل قرار می گرفت و این کار اثر سوئی در ایمان مردم می گذاشت؛ لذا خداوند متان در قالب عتاب رسولش را تأمین بخشید؛ نظیر تأمینی که در آیه ۶۷ سوره مائده II یا آیها الرُّسُولُ بَلَّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ O داده است. دلیل این تأمین و تأیید در قالب عتاب یکی جمله «فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا» است که در آن از تزویج رسول خدا^ص با زینب خبر داده که گویا امری خارج از اراده و اختیار او ست. دیگری جمله «وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» است (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱۶/ ۳۲۳؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ق: ۶/ ۲۲۱).

امر دوم روایات ذیل است: یکی جواب امام رضا^ع به علی بن محمد بن جهم در مسئله عصمت انبیاء که در بخشی از آن چنین آمده: «فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَرَفَ نَبِيَّهٖ صَ أَسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ أَسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِي دَارِ الْآخِرَةِ وَ أَنَّهُنَّ أُمَّهَاتُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِحْدَاهُنَّ مَنْ سَمَّى لَهُ زَيْنَبُ بِنْتُ جَحْشٍ وَ هِيَ يَوْمَئِذٍ تَحْتَ زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ فَآخَفَى اسْمَهَا فِي نَفْسِهِ وَ لَمْ يَبْدِهِ لِكَيْلَا يَقُولَ أَحَدٌ مِنَ الْمُتَافِقِينَ إِنَّهُ قَالَ فِي امْرَأَةٍ فِي

بَيَّتَ رَجُلٌ إِنَّهَا إِخْدَىٰ أَزْوَاجِهِ مِنْ أَمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حَشَىٰ قَوْلَ الْمُتَافِقِينَ» (صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۳۷۸ق: ۱/ ۱۹۵). خداوند عزّ و جل، پیامبر را از نام‌های همسرانش در دنیا و آخرت، با خبر ساخت و آنان مادران مؤمنانند، یکی از نام برده شده‌ها زینب بنت حجش است که در آن موقع همسر زید بن حارثه بود، بنابراین رسول خدا اسم او را در درون خود مخفی نگه داشت و آن را اظهار نکرد تا فردی از منافقان نگوید که پیامبر در مورد زن شوهر دار گفته او یکی از زنانش و از مادران مؤمنان است و از گفتار منافقان ترسید.

دیگری روایت منسوب به علی بن الحسین^۷ است که در آن چنین آمده: «أَنَّ الَّذِي أَخْفَاهُ فِي نَفْسِهِ هُوَ أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ أَعْلَمَهُ أَنَّهُا سَتَكُونُ مِنْ أَزْوَاجِهِ وَأَنَّ زَيْدًا سَيُطْلَقُهَا فَلَمَّا جَاءَ زَيْدٌ وَقَالَ لَهُ أَرِيدُ أَنْ أَطْلُقَ زَيْنَبَ قَالَ لَهُ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ لَمْ تَقُلْ سَبَّحَانَهُ لَمْ تَقُلْ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَقَدْ أَعْلَمْتُكَ أَنَّهَا سَتَكُونُ مِنْ أَزْوَاجِكَ» (طبرسی، مجمع البیان علوم القرآن، ۱۳۷۲ش: ۸/ ۵۶۴) آنچه را که پیامبر در درون خود مخفی کرد، اعلام خداوند بود مبنی بر این که زینب در آینده از همسران او خواهد بود و زید او را طلاق خواهد داد، پس هنگامی که زید آمد و گفت می‌خواهم زینب را طلاق دهم، پیامبر فرمود: همسرت را نگه دار، سپس خداوند فرمود: چرا گفتی همسرت را نگه دار و حال آن که به شما اعلام کردم زینب از همسرانت خواهد شد.

بنابراین داستان عاشق شدن پیامبر به زن شوهردار و پنهان داشتن این عشق را در دلش، با این توجیه که او هم بشر بوده و عشق هم یک حالت جبلّی و طبیعی بشر است (ر.ک: طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تفسیر الطبری)، ۱۴۱۲ق: ۲۲/ ۱۰؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷ق: ۳/ ۵۴۰ - ۵۴۲؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ۱۴۰۴ق: ۵/ ۲۰۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۰۶ق: ۴/ ۱۸)، از چند جهت مردود است:

نخست اینکه وقتی روایت حاوی این داستان را بر قرآن عرضه کنیم می‌بینیم که مخالف آن است؛ زیرا خداوند در خود همین آیه اعلام نموده که آنچه را که پیامبر مخفی کرده آشکار خواهد کرد و غیر از ازدواج که فرمود: «زَوَّجْنَاكَهَا» چیز دیگری را آشکار نکرد، پس اگر عشق و محبت زینب را مخفی کرده بود باید خداوند آن را آشکار می‌کرد؛ چون وعده داده و فرموده: «اللَّهُ مُبْدِيهِ» (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۷۲ش: ۸: ۵۶۴؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ق: ۶/ ۲۲۲).

دوم، دلیلی که اقامه شده (طبیعی بودن عشق برای بشر) دارای دو اشکال است: یکی این که لازم می‌آید تربیت الهی پیامبر بر امر جبلّی او غلبه نیافته باشد. به تعبیر دیگر: عاشق زن شوهردار شدن او



با تربیت الهی او سازگار نیست. دیگری این که عتاب شدن بر پنهان نمودن یک امر جبلی، بی معنا است؛ بازگشت معنای این جمله به این خواهد شد که تو باید عشق خود را نسبت به زن شوهردار اظهار می کردی، چرا نکردی؟؛ درحالی که فساد این حرف از آفتاب هم روشن تر است (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱۶/۳۲۳).

برخی از مفسران، شواهد دیگری نیز اقامه کرده و چنین می گوید:

«شواهد روشنی - قطع نظر از مسئله نبوت و عصمت - در دست است که این افسانه ها را تکذیب می کند. نخست اینکه: زینب دخترعمه پیامبر α بود و در محیط خانوادگی تقریباً با او بزرگ شده بود، پیامبر α شخصاً او را برای زید خواستگاری کرد، و اگر زینب جمال فوق العاده ای داشت و فرضاً جمال او جلب توجه حضرت را کرده بود نه جمالش امر مخفی بود و نه ازدواج با او قبل از این ماجرا مشکلی داشت؛ بلکه با توجه به اینکه زینب هیچ گونه تمایلی برای ازدواج با زید نشان نمی داد؛ بلکه مخالفت خود را صریحاً، بیان کرد، و کاملاً ترجیح می داد همسر پیامبر α شود به طوری که وقتی پیامبر α به خواستگاری او برای زید رفت خوشحال شد؛ زیرا تصور می کرد پیامبر α او را برای خود خواستگاری می کند؛ اما بعداً با نزول آیه قرآن و امر به تسلیم در برابر فرمان خدا و پیامبر α تن به ازدواج با زید داد. با این مقدمات چه جای این توهم که او از چگونگی زینب باخبر نباشد؟ و چه جای این توهم که تمایل ازدواج با او را داشته باشد و نتواند اقدام کند؟ دیگر اینکه هنگامی که زید برای طلاق دادن همسرش زینب به پیامبر α مراجعه می نماید حضرت بارها او را نصیحت می کند و مانع این طلاق می شود، این خود شاهد دیگری بر نفی آن افسانه ها است. از سوی دیگر قرآن با صراحت هدف این ازدواج را بیان کرده تا جایی برای گفتگوهای دیگر نباشد» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ش: ۱۷/۳۲۶).

در ادامه آیه می فرماید: $\text{فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا}$ ، قضی به معنای فراغت از چیزی است به طور کامل و معنای این جمله چنین می شود: هنگامی که نیاز زید از زینب به طور کامل به پایان رسید و او را طلاق داد، بعد از انقضای عده به تو اذن در ازدواج با او دادیم تا مؤمنان در ازدواج با همسران فرزندخوانده هایشان بعد از طلاق و سپری شدن عده، ممنوعیتی نداشته باشند و امر خدا شدنی است (ر.ک: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۸: ۳۴۵؛ طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۷۲ش: ۸۵۶۵).

چهار. مفاد آیه ۳۸ احزاب

«مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا» هیچ گونه منعی بر پیامبر α در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست؛ این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده اند نیز جاری بوده؛ و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است!

مفاد این آیه نفی ممنوعیت است نسبت به ازدواج رسول خدا α با زینب بعد از طلاق و پایان عده که یا مقدر بوده یا واجب بوده؛ مانند سنت خداوند در مورد انبیای گذشته که برای هر پیامبری چیز خاصی را مباح نموده یا کثرت ازدواج را برای برخی از آنان اجازه داده؛ مانند داود که صد تا زن داشته و سلیمان که سیصدتا زن و هفت صدتا کنیز داشته است (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۳۲۴/۱۶؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۳۴۵/۸؛ طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۷۲ش: ۵۶۶/۸).

پنج. ابطال سنن جاهلی با عمل واقعی

آیات مورد بحث متضمن ابطال چند سنت جاهلی است: یکی ازدواج نکردن زنان با شخصیت و سرشناس با بردگان. دیگری ممنوعیت ازدواج با همسر مطلقه پسر خوانده که در نظر آن ها همانند ازدواج با همسر مطلقه پسر حقیقی بود. سومی عیب و ننگ بودن ازدواج مرد با شخصیتی مانند پیامبر α با همسر مطلقه یک برده آزاد شده که او را هم ردیف یک برده قرار می داد. این فاصله طبقاتی به قدری عمیق بود که با صرف بیان لفظی قابل از بین بردن نبود و همواره جای این سؤالات باقی بود که اگر این کار خوب بود، چرا خود پیامبر α انجام نداد؟ چرا او با همسر برده آزاد شده ای ازدواج نکرد؟ چرا او با همسر مطلقه فرزند خوانده اش عقد همسری نبست؟ در این گونه موارد یک نمونه عملی می توانست به همه این چراها پایان دهد (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ش: ۱۷/۳۱۷ و ۳۲۳ و ۳۲۷). برخی در این زمینه چنین می گویند:

نظام فرزند خواندگی در زندگی اجتماعی عربی دارای آثار واقعی بود که به آسانی قابل از بین بردن نبود؛ رسول خدا α برای از بین بردن آن به انجام عمل واقعی نیازمند بود (ر.ک: سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵ق: ۵/۲۸۶۵ - ۲۸۶۸).

از یک جهت عمل او، اقوی و ابلغ در ابطال ممنوعیت ازدواج با همسر مطلقه فرزند خوانده بود و از جهت دیگر برای این بود که اشراف در ازدواج با همسران مطلقه بردگان بزرگ منشی ننماید و از طرف سوم بزرگ منشی زنان با حسب و نسب را در ازدواج با افراد پایین تر از آنان در حسب و نسب، از بین ببرد (ر.ک: مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ق: ۶/۲۲۱).



جمع بندی و نقد

این سه آیه بر اساس وحدت موضوع، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند که طبق آیه اول، انسان مؤمن در برابر اراده خدا و رسول α ، مانند اراده ازدواج زینب با زید، از خود هیچ اختیاری ندارد و کسی که مخالفت نماید به طور آشکار گمراه شده است.

در آیه دوم اصرار زید بر طلاق دادن همسرش و توصیه پیامبر α به خویشتن داری او مطرح شده؛ درحالی که می دانسته بعد از زید با زینب ازدواج خواهد کرد؛ اما درعین حال به خاطر اثر سوء آن بر مردم، آن را پنهان می داشته تا این که خداوند متان در قالب عتابی به او تأمین بخشید و بعد از طلاق دادن زید، زینب را به همسری خود برگزید تا مؤمنان در ازدواج با همسران مطلقه فرزندخوانده هایشان مشکلی نداشته باشند و به این ترتیب رسول خدا α با عمل خود ممنوعیت ازدواج با همسران مطلقه فرزندخوانده ها را که یک سنت جاهلی بود، ابطال کرد.

در آیه سوم ضمن نفی حرج از چنین ازدواجی، یادآور شده که واجب نمودن برخی از چیزها بر پیامبر α چیز تازه نیست؛ بلکه نسبت به انبیای گذشته مانند داود و سلیمان نیز چنین سنتی بوده است.

بعد از مقایسه نمودن سخنان سه با سخنان مفسران، می توان در نقد آن چنین گفت:

نخست اینکه، بر اساس شواهد درون متنی و برون متنی مذکور، آنچه را که رسول خدا α در هنگام شوهردار بودن زینب مخفی می کرده ازدواجش با او بعد از طلاق بوده و از اظهار آن خوف داشته؛ نه این که عشق به زن شوهردار را مخفی می کرده است.

دوم، با اثبات ساختگی بودن روایات داستان عاشقی پیامبر α ، مجالی برای تمسک سه با منابع دیردارنده این روایات، در خصوص این مسئله، نخواهد بود و چنین تمسکی از اعتبار ساقط است.

سوم، فرزندخواندگی جزء سنن ریشه دار اجتماعی عرب جاهلی بود که از آثار و احکام فرزند واقعی از قبیل ارث بردن، حرمت ازدواج با همسر فرزند و... برخوردار بود و لذا با گفتار و بیان لفظی تنها قابل نسخ نبود و نیازمند عمل واقعی و خارجی بود که توسط رسول خدا α به وقوع پیوست. علاوه بر این که بیان لفظی هم در این زمینه وجود دارد؛ چنانکه می فرماید: $\Pi \dots$ وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ... (احزاب/۴) فرزندخوانده های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است؛ این سخن شماس است که بر زبان جاری می سازید (سخنی باطل و بی پایه)؛ Π مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ (احزاب/۴۰) محمد پدر حقیقی هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست.

چهارم، سه با از بی توجهی به خواست زینب و عدم اختیار او در ازدواج و طلاق سخن به میان آورده که باید گفت اختیار او نسبت به طلاق سالبه به انتفاء موضوع است؛ چون طلاق جزء ایقاعات است و

به دست مرد است؛ اما خواست و اختیار او نسبت به ازدواج، طبق نص صریح آیه اول باز منتفی است؛ زیرا فرد مؤمن به خدا و رسول، خواست و اراده جدا از خواست و اراده خدا و رسول ندارد؛ لذا اگر مخالفت ابتدائی از زینب سرزده، طبق روایت شأن نزول به خاطر این بوده که رسول خدا^ص پیشنهاد ازدواج داده بوده نه دستور؛ اما وقتی دستور ازدواج داد، زینب هم تغییر موضع داد و مهلت مشورت خواست، زمانی که آیه اول نازل شد امر و اراده خدا و رسول^ص کاملاً برایش محرز شد و به دنبال آن رضایت خود را اعلام کرد. از طرف دیگر طبق روایات شأن نزول، خواست زینب عدم ازدواج با زید و ازدواج با رسول خدا^ص بود که اگر از ابتدا محقق می شد فقط افتخار هم سری با رسول خدا^ص نصیبش می شد؛ اما فواید دیگری مثل نسخ سنن جاهلی بر ازدواج او مترتب نمی شد؛ ولی خواست خدا و رسول^ص این بود که اول باید با زید ازدواج کند تا عنوان همسر فرزندخوانده رسول خدا^ص بر او صدق کند و بعد از طلاق دادن زید، هم به خواسته خودش برسد و افتخار همسری با رسول خدا را پیدا کند و هم نسخ سنت جاهلی بر آن مترتب شود. با این توضیحات فساد سخنان ذیل از دکتر سها، به خوبی آشکار می گردد: «کسی که اصلاً مطرح نیست و خواست و اراده اش هیچ اهمیتی ندارد خود زینب است. مخصوصاً به قضی زید مِنْهَا وَطَرّاً دقت کنید. می گوید حال که زید از او لذت برد او را به عقد محمد درآورد. این آیه بی ارزشی فوق العاده زن را در اسلام نشان می دهد که حتی زنی به زیبایی زینب که محمد عاشقش می شود هیچ اختیاری در ازدواج و طلاق خویش ندارد و صرفاً یک وسیله لذت جوئی جنسی است»؛ زیرا همان طوری که در شأن نزول گذشت، ازدواج با رسول خدا^ص از ابتدا خواست و اراده زینب بوده و مفروغ عنه است؛ لذا این قسمتی از آیه اصلاً در این جهت نیست؛ بلکه جهتش تزویج حضرت رسول^ص یا اذن در آن است.

پنجم، سها از لگدکوب شدن عشق دو جوان و از هم پاشیدن یک خانواده سخن گفته، این حرف وقتی درست است که علی رغم تمایل زید و زینب به ادامه زندگی زناشویی، مجبور به جدائی شده باشند؛ درحالی که جدائی آن دو در اثر ناسازگاری و آزار زبانی زینب بوده و کلمه «تقول» که فعل مضارع است دال بر استمرار است و بیانگر درخواست مکرر زید نسبت به طلاق است؛ علاوه بر این که جمله «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ» نیز اشعار به اصرار زید دارد.

۳. بررسی روایی و تاریخی

داستان رفتن رسول خدا^ص به خانه زید و دیدن زینب را بدون حجاب و عاشق شدن نسبت به او در برخی از کتب تاریخی نیز آمده (ر.ک: طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۱۳۸۷ ش: ۲: ۵۶۳؛ ابن سعد،



الطبقات الكبرى، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۸۱؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۴۳۴؛ بلعمی، تاریخنامه طبری، ۱۳۷۳ش: ۳/ ۱۹۸؛ که از سوی برخی از محققان مورد نقد قرار گرفته و در ذیل به اختصار به آن پرداخته می شود:

یک. روایتی که از امام سجاد^۷ نقل گردید، تکذیب کننده روایاتی است که می گوید: پیامبر α حب زینب را مخفی می کرد؛ زیرا در این روایت تصریح شده که آنچه را رسول خدا α مخفی می کرده خبر خداوند در مورد ازدواج آینده او با زینب بوده است. اگر گفته شود که پیامبر α با علم به فراق، چگونه زید را مأمور به امساک ساخت؟ در جواب می گوئیم به خاطر اتمام حجت؛ نظیر امر خداوند به ایمان آوردن بندگان، با اینکه می داند بعضی از آن ها ایمان نخواهد آورد (ر.ک: عاملی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ط جدید)، ۱۴۲۶ق: ۱۴/ ۹۶).

دو. بر فرض این که جمله «سبحان الله مصرف القلوب» را پیامبر α گفته باشد، دلیلی نداریم که حتماً بر تأثر قلبی او دلالت داشته باشد؛ بلکه ممکن است پیامبر α با این جمله تعجبش را از ماجرای زینب و زید اظهار کرده باشد که در اول زینب اکراه داشت و در ادامه زید اصرار به طلاق داشت، یا به خاطر این بوده که طبق روایت منقول در منابع اهل سنت، رسول خدا α این ذکر را زیاد می گفته و شاید در آن لحظه این ذکر را گفته باشد (ر.ک: عاملی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ط جدید)، ۱۴۲۶ق: ۱۴/ ۹۹).

سه. عشق یک امر قلبی است که اطلاع پیدا کردن از آن بدون خبر دادن پیامبر α برای کسی ممکن نیست؛ بنابراین روایان این داستان از کجا بر این امر اطلاع پیدا کرده اند؟ (ر.ک: عاملی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ط جدید)، ۱۴۲۶ق: ۱۴/ ۱۰۰؛ نجاح الطائي، السيرة النبوية (لنجاح الطائي)، ۱۴۲۲ق: ۲/ ۱۴۶).

چهار. از جمله دلایل ساختگی بودن این داستان این است که وقتی آن را بر قرآن عرضه کنیم، می بینیم که مخالف آن است؛ زیرا زیدی که در جهت برآورده شدن آرزوی پیامبر α تلاش می کند و هیچ خلاف و معصیتی از او سر نزده، چگونه پیامبر α او را مأمور به تقوا می سازد؟ (ر.ک: عاملی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ط جدید)، ۱۴۲۶ق: ۱۴/ ۱۰۱).

پنج. عقل نمی پذیرد از سانی که پنجاه و پنج سال بر یک شیوه زندگی نموده، ناگاه به انسان دیگری تبدیل شود و دلباخته زن شوهرداری شود که به منزله دختر وی است و او را در کودکی پرورده و در بزرگی از او مراقبت کرده و بیش از هرکس دیگر زیبایی و خصوصیات او را که دختر عمه اش بوده می شناسد و خود برایش شوهر انتخاب کرده است (ر.ک: عاملی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ط جدید)،

۱۴۲۶ق: ۱۴/۱۰۳؛ برخی از پژوهشگران در این ارتباط چنین می‌گویند: «توجه به سنّ پیامبر α در این ازدواج‌ها موضوعی است که مورد غفلت دشمنان اسلام واقع شده است؛ زیرا اگر شهوت عامل ازدواج باشد، آن شهوت در ایام جوانی است که رغبت به زنان بیشتر است نه در بزرگسالی که این رغبت ضعیف و سست می‌شود.» (محمدی، «نقد دیدگاه مستشرقان در باره تعدد همسران پیامبر α از منظر قرآن»، ۱۳۹۵ش/ ۹۷-۸۰).

۴. بررسی فقهی

ولایت عامه فقیه - که عبارت است از قائم مقامی فقهای جامع شرایط فتوا و قضاوت، از ولی عصر e در اجراء سیاست‌ها و شئونی که برای امام ۷ است به‌جز جهاد ابتدائی (ر.ک: عاملی، الاصطلاحات الفقهیة فی الرسائل العملية، ۱۴۱۳ق: ۲۳۲) - دامنه و قلمرو وسیعی دارد که بررسی آن مجال دیگری می‌طلبد؛ اما آنچه به بحث ما مربوط می‌شود و می‌توان آن را به‌عنوان یکی از مجاری اعمال ولایت عامه فقیه جامع شرایط نام برد، مسئله طلاق دادن زنان در شرایط خاصی است که مصادیق آن به‌قرار ذیل است:

یک. اگر دیوانه ولی نداشته باشد، سلطان (امام) یا کسی که از طرف او منصوب است، همسر او را طلاق می‌دهد (ر.ک: حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ۱۴۰۸ق: ۳: ۳).

دو. اگر مردی در حال زوال عقل به سبب مستی یا دیوانگی یا عدم تعادل مزاج و امثال آن، همسرش را طلاق دهد، طلاقش صحیح نیست... اگر ولی نداشته باشد، امام یا نائب او همسرش را از طرف او طلاق می‌دهد (ر.ک: طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۱۴۰۰ق: ۵۰۹).

سه. اگر شوهر از دادن نفقه زن امتناع ورزد، زن به حاکم شرع مراجعه می‌کند و او شوهر را بین دادن نفقه و طلاق مخیر می‌سازد؛ چنانچه به هیچ‌کدام عمل نکند یا متواری شود و نفقه دادن از مال شوهر هم ممکن نباشد، حاکم شرع زن را طلاق می‌دهد (ر.ک: تبریزی، استفتاءات جدید (تبریزی)، بی‌تا: ۳۷۶/۲؛ یزدی، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، بی‌تا: ۳۶۶؛ جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت β (فارسی)، بی‌تا: ۱: ۱۸۲).

چهار. در مورد مفقودالاثر شدن شوهر که زن علم به زنده‌بودن یا مردن او ندارد، برخی چنین می‌گویند: «اگر شوهر مالی دارد یا پدر یا جد پدری او از مال خودشان مخارج زن را مطابق شأن او تأمین می‌کنند زن باید صبر کند و حق شوهر کردن ندارد. و اگر به‌هیچ‌وجه مخارج او را تأمین نمی‌کنند می‌تواند به مجتهد جامع الشرائط مراجعه کند و پس از مراجعه، مجتهد جامع الشرائط دستور می‌دهد زن تا چهار سال صبر کند، و در طول این مدت به‌وسیله نامه نوشتن به مناطقی که احتمال می‌دهند



شوهر زن در آنجاها باشد یا به وسایل دیگر تحقیق می کنند، اگر زنده بودن او ثابت شد زن باید صبر کند و اگر ثابت نشد مجتهد جامع الشرائط به پدر یا جد پدری مرد دستور می دهد زن را طلاق دهد و اگر ممکن نشد خود مجتهد جامع الشرائط او را طلاق می دهد» (لنکرانی، رساله توضیح المسائل (فاضل)، ۱۴۲۶ق: ۴۴۰؛ خمینی، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ۱۴۲۴ق: ۵۰۲/۲).

پنج. در مورد شخص عنین (ناتوان جنسی) ابو حمزه ثمالی از امام باقر^۷ چنین نقل نموده: «... فَإِنْ تَزَوَّجَتْ وَ هِيَ بِكَوْفَرَعَمَتْ أَنَّهُ لَمْ يَصِلْ إِلَيْهَا فَإِنْ مِثْلَ هَذَا تَعْرِفُ النِّسَاءَ فَلْيَنْظُرْ إِلَيْهَا مَنْ يُوَثِّقُ بِهِ مِنْهُنَّ فَإِذَا ذَكَرْتُ أَنَّهَا عَذْرَاءُ فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُوَجِّلَهُ سَنَةً فَإِنْ وَصَلَ إِلَيْهَا وَ إِلَّا فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا» (حر عاملی، تفصیل و سائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۴۰۹ق: ۲۳۳/۲۱) (... پس اگر دختر باکره ای ازدواج نمود و ادعا کرد که شوهرش با او هم بستر نشده، چون این گونه امور را زن ها تشخیص می دهند باید زنی که مورد اعتماد است معاینه نماید، اگر تشخیص داد که دختر هنوز باکره است و شوهر با او هم بستر نگردیده بر امام است که یک سال به مرد مهلت دهد، اگر باز هم بستر نشدند بین آنان با طلاق جدایی اندازد) (منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۱۴۰۹ق: ۱/۲۴۷).

با استفاده از این بررسی مختصر، می توان در نقد سخنان سها چنین گفت که ادعای او در مورد طلاق دادن ولی فقیه همسر مردی را بدون اجازه اش، از چند جهت مردود است:
اولاً بر اساس آیه ۳۷ احزاب و روایات شأن نزول، طلاق دادن زینب به درخواست خود زید بوده نه به اعمال ولایت از سوی پیامبر^ص؛ لذا نمی توان این آیه را منشأ و دلیل چنین حکمی دانست.
ثانیاً در موضوع طلاق، موارد و مصادیق اعمال ولایت از سوی ولی فقیه - چنانکه در بالا ذکر شد - در فقه مضبوط و مشخص است که قضیه طلاق زینب از هیچ کدام آن ناست و به اصطلاح تخصصاً از آن خارج است.

نتیجه

از بررسی‌های تفسیری، تاریخی و روایی و فقهی که در این نوشتار به عمل آمد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

نخست، داستان عاشق شدن پیامبر α به زن شوهردار، به دلیل ناسازگاری با قرآن و سنت معتبر، ساختگی است و ازدواج پیامبر α با زینب بنت جحش به منظور باطل نمودن یک سنت جاهلی در ارتباط با ازدواج با همسران طلاق داده شده فرزند خوانده‌ها، صورت گرفته است و اثبات ساختگی بودن چنین داستانی، از نظریه پردازی و نوآوری این پژوهش است که با پیاده سازی قاعده عرضه روایات بر قرآن به دست آمده است.

دوم، در ازدواج پیامبر α با زینب بنت جحش، عشق دو جوان هم لکد کوب نشده؛ زیرا این ازدواج بر طبق موازین شرعی، بعد از طلاق گرفتن زینب و اتمام عده و به دستور خداوند صورت گرفته و زید با اختیار خود او را طلاق داده نه این که رسول خدا α او را مجبور به طلاق دادن کرده باشد.

سوم، آیه ۳۷ سوره احزاب و عمل کرد پیامبر α در ازدواج با زینب، نمی‌تواند منشأ اعمال ولایت برای ولی فقیه در مسئله طلاق دادن زنان در شرایط خاص باشد؛ زیرا موارد اعمال ولایت، اجنبی از قضیه ازدواج با زینب بنت جحش است و قابلیت انطباق بر آن را ندارد؛ زیرا در واقع طلاق شدن زینب توسط پیامبر α به وکالت از زید بوده که خدمت حضرت مراجعه نموده و از او خواسته که صیغه طلاق را اجرا نماید.



منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم: ۱۳۷۳.
۲. ابن سعد کاتب واقدی، محمد، الطبقات الکبری، دار الکتب العلمیة، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۸ه.ق.
۳. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، دار الفکر، بیروت: ۱۴۱۷ه.ق.
۴. بلعمی، ابوعلی، تاریخنامه طبری، البرز، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
۵. تبریزی، جواد بن علی، استفتاءات جدید (تبریزی)، بی نا، قم: بی تا.
۶. ترقی جاه، حمید، ترجمه سیرة المصطفی، حکمت، تهران: ۱۴۱۲ه.ق.
۷. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: بی تا.
۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، دار المعرفه، بیروت - لبنان: ۱۴۰۶ه.ق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل البيت، قم: ۱۴۰۹ه.ق.
۱۰. حلی، محقق، نجم الدین: عفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۱. خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: هشتم، ۱۴۲۴ ه.ق.
۱۲. دیاری بیدگلی، محمدتقی؛ یالچین علی اف، «بررسی دیدگاه مستشرقان در باره ازدواج پیامبر α با زینب»، دو فصلنامه علمی - ترویجی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال نهم، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۱۳. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ه.ق.
۱۴. سها، نقد قرآن، بی نا، بی جا: ویرایش دوم، ۱۳۹۳.
۱۵. سید قطب، فی ظلال القرآن، ۶ جلد، دار الشروق، بیروت: چاپ: ۳۵، ۱۴۲۵ ه.ق.
۱۶. سیوطی: لال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم: ۱۴۰۴ ه.ق.



۱۷. شفیعی خوزانی، زیبا، «ازدواج های رسول گرامی اسلام» (نقد و بررسی دیدگاه اسلام شناسان اروپایی)، مجله: نامه تاریخ پژوهان، شماره ۸ و ۹، زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶ ش.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲ جلد، نشر جهان، تهران: ۱۳۷۸ ق.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دار المعرفه، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، دار التراث، بیروت: چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، دار الكتاب العربی، بیروت: دوم، ۱۴۰۰ ه.ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۲۵. عاملی: عفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم (ط جدید)، ۳۵ جلد، دار الحديث، قم: ۱۴۲۶ ه.ق.
۲۶. عاملی، یاسین عیسی، الاصطلاحات الفقهیة فی الرسائل العملية، دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ جلد، دار الكتاب، قم: چاپ: ۳، ۱۳۶۳ ه.ش.
۲۸. لنکرانی، محمد فاضل موحدی، رساله توضیح المسائل (فاضل)، بی تا، قم: صد و چهاردهم، ۱۴۲۶ ه.ق.
۲۹. محمدی، محمد حسین؛ فاطمه صارمی، «نقد دیدگاه مستشرقان درباره تعدد همسران پیامبر» از منظر قرآن»، دوفصلنامه علمی - ترویجی قرآن پژوهی خاور شناسان، سال یازدهم، ش ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۳۰. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۴۲۴ ق.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۳۲. منتظری، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابوافضل، مؤسسه کیهان، قم: ۱۴۰۹ ه.ق.
۳۳. نجاج الطائی، السیرة النبویة (للنجاج الطائی)، مؤسسة البلاغ، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۳۴. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، بی تا، قم: بی تا.



Resources

۱. A Group of Authors, *Journal of the Jurisprudence of Ahl al-Bayt* (Persian), ۵۶ Volumes, Institute of the Islamic Jurisprudence Encyclopedia, Islamic Jurisprudence in the Sect of Ahl al-Bayt, Qom - Iran, First, n.d.
۲. Al-Suyuti: Lal Al-Din, *Al-Durr Al-Manthur fi Tafsir Al-Mathur*, Ayatollah Mara'shi Najafi Library - Qom, ۱۴۰۴ AH.
۳. Amili, Yassin Isa, *Jurisprudential Terms in Practical Laws Books*, Dar al-Balaghah for Printing, Publishing and Distribution, Beirut - Lebanon, First, ۱۴۱۳ AH.
۴. Amili: Afar Murtaza, *The Right One from the Biography of the Greatest Prophet (New Edition)*, ۳۵ Volumes, Dar al-Hadith - Qom, First Edition, ۱۴۲۶ AH.
۵. Bala'mi, Abu Ali, *Tarekhnama Tabari*, Alborz - Tehran, Third Edition, ۱۹۹۴.
۶. Bladhuri, Ahmad bin Yahya, *Genealogy of the Nobles*, Dar al-Fikr - Beirut, First Edition, ۱۴۱۷ AH.
۷. Diary Bedgley, Mohammad Taqi; Yalchin Aliov, "An Investigating the Orientalists Viewpoint Concerning of the Prophet's (P) Marriage with Zainab", Bi-annual Scientific-Propagating Journal of Orientalists' Quranic Studies, ۹th Year, No. ۱۶, Spring and Summer ۲۰۱۴.
۸. Hakim Nishabouri, Mohammad bin Abdullah, *Al-Mustadrak ala Al-Sahihain*, Dar al-Ma'rifah, Beirut - Lebanon, First, ۱۴۰۶ AH.
۹. Hilli, Muhaqqiq, Najm al-Din: Afar bin Hasan, *Sharaye' al-Islam fi Masail al-Halal wa al-Haram (The Laws of Islam in Issues of the Permissible and the Prohibited)*, ۴ Volumes, Ismailian Institution, Qom - Iran, Second, ۱۴۰۸ AH.
۱۰. Hurr Amili, Mohammad bin Hasan, *Tafsil Wasail al-Shiah ila Tahsi Masail al-Shariahl*, ۳۰ Volumes, Aal al-Bayt Foundation, - Qom, First Edition, ۱۴۰۹ AH.
۱۱. Ibn Sa'ad, Waqidi, Mohammad, *Al-Tabaqat al-Kubra*, Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah - Beirut, Second Edition, ۱۴۱۸ AH.
۱۲. Khomeini, Seyyed Ruhollah Mousavi, *Tawzih al-Masail (Explanation of the Issues (Noted-Imam Khomeini))*, ۲ Volumes, Islamic Publication Center Affiliated with Qom Seminary Teachers Society, Qom - Eighth, ۱۴۲۴ AH.
۱۳. Lankarani, Mohammad Fadhil Movahedi, *A Treatise on Explanation of Shar'i Issues (Fadhil)*, n.p., Qom - Iran, ۱۱th Edition, ۱۴۲۶ AH.
۱۴. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir Nemounah (The Ideal Exegesis)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah - Tehran, First Edition, ۱۹۹۵.
۱۵. Mohammadi, Mohammad Hussain; Fatemeh Sarimi, "Criticism of the Orientalist Viewpoint Concerning Polygamy of Holy Prophet (P from the View of the Quran)," Biannual Scientific-Promotional Journal of Orientalists' Quranic Studies, ۱۳th Year, No. ۲۱, Autumn and Winter ۲۰۱۶ Sh.
۱۶. Montaziri, Hossein Ali, *Jurisprudential Foundations of Islamic Government*, Translator: Salwati, Mahmoud and Shukuri, Abu Al, ۸ Volumes, Kayhan Institution, Qom - Iran, First, ۱۴۰۹ AH.
۱۷. Mughniyeh, Mohammad Jawad, *Tafsir al-Kashif*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah - Tehran, First Edition ۱۴۲۴ AH.
۱۸. Najah al-Ta'i, *The Prophet's Biography (of Al-Najah Al-Ta'i)*, Al-Balagh Institution - Beirut, First Edition, ۱۴۲۲ AH.
۱۹. Qomi, Ali Ibn Ibrahim, *Tafsir al-Qummi*, ۲ Volumes, Dar al-Kitab - Iran - Qom, Third Edition, ۱۹۸۴.
۲۰. Sadoq, Mohammad bin Ali, *The Real Narrations of Imam Raza*, ۲ Volumes, Jahan - Tehran, First Edition, ۱۹۹۹.

٢١. Sayyid Qutb, *In the Shadows of the Quran*, ٦ Volumes, Dar Al-Shorouk - Lebanon - Beirut, ٣rd Edition, ١٤٢٥ AH.
٢٢. Shafi'i Khouzani, Ziba, "The Prophet of Islam's (P) Marriage (Critique and Analysis of the Orientalists)", Journal: Namah Tarekh Pazohan, No. ٨ and ٩, Winter ٢٠٠٦ and Spring ٢٠٠٧.
٢٣. Soha, *Criticism of the Quran*, n.p., and Second Version, ٢٠١٤.
٢٤. Tabari, Abu Jaafar Mohammad bin Jarir, *Jame' al-Bayan an Ta'wil Ay al-Quran*, Dar al-Ma'rifah - Beirut, first Edition, ١٤١٢ AH.
٢٥. Tabari, Mohammad bin Jarir, *History of Nations and Kings*, Dar al-Turath - Beirut, Second Edition, ٢٠٠٨.
٢٦. Tabarsi, Fadl bin Hassan, *Majma' al-Bayan li Uloom al-Quran*, Nasir Khosrow Publications - Tehran, ١٩٩٣.
٢٧. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussain, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Islamic Publications Center of the Qom Seminary Teachers Society, ٥th Edition, ١٤١٧ AH.
٢٨. Tabrizi, Javad bin Ali, *New Referendums (Tabrizi)*, ٢ Volumes, n.p., Qom - Iran, First, n.d.
٢٩. Taraqqi Jah, Hamid, *Translation of Sirat al-Mustafa*, Hekmat - Tehran, First Edition, ١٤١٢ AH.
٣٠. Tusi, Abu Ja'far, Mohammad bin Hassan, *Al-Niyah fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatawa*, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut - Lebanon, Second, ١٤٠٠ AH.
٣١. Tusi, Mohammad bin Hassan, *The Explanation in Interpretation of the Quran*, ١٠ Volumes, Dar Ihya al-Turath al-Arabi - Lebanon - Beirut, First Edition, n.d.
٣٢. Yazdi, Seyyed Mostafa Mohaqqiq Damad, *A Jurisprudential Analysis of the Rights of Family - Marriage and Dissolution*, n.p., Qom - Iran, First, n.d.
٣٣. Zamakhshari, Mahmoud, *Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamiz al-Tanzil (Discovery of the Realities of Revelation's Ambiguities)*, Dar al-Kitab al-Arabi - Beirut, Third Edition, ١٤٠٧ AH.